

یاران و سروران عزیز روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی و با تبریک به مناسبت فرا رسیدن سلطان اعیاد، عید مبارک رضوان، برنامه ای که برای بزرگداشت و تجلیل این ایام تهیه گردیده است، به پیوست تقدیم میگردد. امیدواریم شما عزیزان با برنامه ریزی قبلی و استفاده از امکانات محلی و بهره مندی از تولیدات رسانه های اینترنتی به هر چه پربارتر شدن جلسه مساعدت نمائید. بدیهی است در این راستا میتوان از توانمندیهای جوانان، نوجوانان و نونهالان جمع حداکثر بهره را برد فضایی مملو از روحانیت و سرور را برایتان آرزو داریم

جانتان خوش باد

پروگرام جلسه بزرگداشت عید اعظم رضوان

فهرست برنامه

۱. مناجات شروع
۲. ذکر دسته جمعی (ای رب فاجعل رزقی...)
۳. لوح مبارک عید رضوان
۴. بیانات مبارکه حضرت بهاءالله
۵. تهنیت حضرت عبدالبهاء به مناسبت عید اعظم رضوان
۶. شعرا از حضرت عبدالبهاء

تنفس

۷. بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله
۸. خروج از بغداد
۹. روز فرح اعظم
۱۰. خروج حضرت بهاءالله از باغ رضوان (سال ۱۸۶۳، بغداد، عراق)
۱۱. شعر "عید اعظم رضوان"
۱۲. برنامه های محلی
۱۳. مناجات خاتمه

هُوَ اللهُ

ای بخشندهٔ مهربان، یاران را دل و جان شادمان کن و روح و وجدان، جنتِ رضوان فرما در هر
دمی، تأییدی جدید بخش و در هر نفسی، نفسِ رحمانی بفرست. نفوس را آیاتِ هدی کن و
وجوه را سُرُجِ مَلَأَ اَعْلَى. زبان ها، گویا کن و گوش ها، شنو نما تا ترتیلِ آیاتِ تقدیس کنند و
استماعِ اَلْحانِ بَدِيعِ، از ملکوت جدید. هریک را کوکبی کن و از افق موهبتِ کبری درخشنده
فرما تا از مَشْرِقِ هُدَى بر قرون و اعصار بتابند. توئی مقتدر و عزیز و بخشنده و درخشنده و دانا لا اِلهَ
اِلَّا اَنْتَ اَلْعَزِيزُ الْمُسْتَعَانُ . ع ع

مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء صفحه ۵۲

هُوَ الْمُسْتَوَى عَلَى هَذَا الْعَرْشِ الْمُنِيرِ

يَا قَلَمَ الْأَبْهَى بَشِّرِ الْمَلَأَ الْأَعْلَى بِمَا شَقَّ حِجَابُ السِّتْرِ وَظَهَرَ جَمَالُ اللَّهِ مِنْ هَذَا الْمَنْظَرِ الْأَكْبَرِ
بِالضِّيَاءِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتْ شُمُوسُ الْأَمْرِ عَنْ مَشْرِقِ اسْمِهِ الْعَظِيمِ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ
عَنْ أَفْقٍ فَضْلٍ مَنِيعٍ، هَذَا عِيدٌ فِيهِ زَيْنُ كُلِّ الْأَشْيَاءِ بِقَمِيصِ الْأَسْمَاءِ وَأَحَاطَ الْجُودُ كُلَّ الْوُجُودِ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ أَشْرَقَ عَنْ مَطْلَعِ قُدْسٍ لَمِيعٍ، أَخْبَرَ حُورِيَّاتِ
الْبَقَاءِ بِالخُرُوجِ عَنِ الْغُرْفِ الْحَمْرَاءِ عَلَى هَيْئَةِ الْحَوْرَاءِ وَالظُّهُورِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِطَرَّازِ
الْأَبْهَى ثُمَّ أُنْذِنَ لَهُنَّ بَأَن يَدْرْنَ كَأْسَ الْحَيَوَانَ مِنْ كَوَثْرِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَهْلِ الْأَكْوَانِ مِنْ كُلِّ
وَضِيعٍ وَشَرِيفٍ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عَنْ أَفْقِ الْقُدْسِ بِجَذْبِ بَدِيعٍ، ثُمَّ أَمَرَ الْغُلَمَانَ
الَّذِينَ خَلَقُوا بِأَنْوَارِ السُّبْحَانِ لِيَخْرُجْنَ عَنِ الرِّضْوَانِ بِطَرَّازِ الرَّحْمَنِ وَيُدِيرْنَ بِأَصَابِعِ الْيَاقُوتِ
لِأَهْلِ الْجَبْرُوتِ مِنْ أَصْحَابِ الْبِهَاءِ كُؤُسَ الْبَقَاءِ لِتَجْذِبَهُمْ إِلَى جَمَالِ الْكِبْرِيَاءِ، هَذَا الْجَمَالُ
الْمُشْرِقِ الْمُنِيرِ، فَيَا حَبْدًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عَنْ مَطْلَعِ عَزِّ رَفِيعٍ، تَالله هَذَا عِيدٌ فِيهِ ظَهَرَ جَمَالُ
الْهُوِيَّةِ مِنْ غَيْرِ سِتْرٍ وَحِجَابٍ بِسُلْطَانِ ذُلَّتْ لَهُ أَعْنَاقُ الْمُنْكَرِينَ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ
بِسُلْطَانِ عَظِيمٍ، هَذَا عِيدٌ فِيهِ رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الْأَشْيَاءِ بِمَا ظَهَرَ سُلْطَانُ الْقَدَمِ عَنْ خَلْفِ حِجَابِ
الْأَسْمَاءِ إِذَا يَا أَهْلَ الْإِنْشَاءِ سُرُوا فِي أَنْفُسِكُمْ بِمَا مَرَّتْ نَسَائِمُ الْغُفْرَانِ عَلَى هَيْكَلِ الْأَكْوَانِ وَنُفِخَ
رُوحُ الْحَيَوَانَ فِي الْعَالَمِينَ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عَنْ مَطْلَعِ قُدْسٍ لَمِيعٍ،..... يَا أَهْلَ
سُرَادِقِ الْعِظْمَةِ ثُمَّ يَا أَهْلَ خِبَاءِ الْعِصْمَةِ ثُمَّ يَا أَهْلَ فُسْطَاطِ الْعِزَّةِ وَالرَّحْمَةِ غُنُّوا وَتَغَنُّوا بِأَحْسَنِ
النَّعْمَاتِ فِي أَعْلَى الْغُرْفَاتِ بِمَا ظَهَرَ الْجَمَالُ الْمُسْتَوْرُ فِي هَذَا الظُّهُورِ وَأَشْرَقَتْ شَمْسُ الْغَيْبِ
عَنْ أَفْقِ عَزِّ قَدِيمٍ، فَيَا مَرْحَبًا هَذَا عِيدُ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ بِطَرَّازِ عَظِيمٍ.....

۴-بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

امروز نورندا مینماید و طور بشارت می دهد، اثمار میگوید: یا اشجار، روز، روز شادیست و یوم فرح و سرور است چه که محبوب، ظاهر و مشهود است. عجب جذبی عالم را اخذ کرده و عجب شوری بین ملا اعلی. بساط ابتهاج به کمال انبساط، مبسوط. طوبی از برای لسانی که به ذکرش ذاکر و سمعی که به ترنمات اشیاء، فائز. ای صاحبان بصر، انوار اسم اعظم مشهود، خود را محروم نمائید. قدر ایام را بدانید قلم اعلی در لیالی و ایام به ذکر حزب الله مشغول. طوبی لَهُمْ وَلَهُمْ حُسْن مآب و لله الامر فی المبدء و المعاد.

مجموعه آثار قلم اعلی جلد ۱۵ ص ۳

امروز اشیا مترنم و عنادل بیان بر اغصان سدره عرفان مُغرّد. امروز هر یک از اشیاء، محلّی اختیار نموده و در آن محل به ذکر حقّ جلّ جلاله مشغول. از عرف آیات مالک اسما و صفات و شوق ظهور مظهرینات، کل مُنجذب. آیات سرور و ابتهاج، کل را اخذ نموده و لکن معشر عباد اکثری غافل. یا حزب الله اگر چه السنّ عالم از ذکر مالک قدم علی ما ینبغی، عاجز و قاصر است، و لکن چون کُل را امر به ذکر و ثناء فرموده لذا مقبول. عنایت حقّ جلّ جلاله نسبت به شما به مثابه آفتاب روشن و منیر. خلق فرمود، تربیت نمود، به صراط مستقیم راه داد و از کأس محبت، قسمت عطا فرمود. لَعمر الله ملاء اعلی در جمیع احوال به ذکر اهل بها مشغول. یَشهدُ بذلک لسانُ العَظْمه فی مقامه المحمود. نَسئَلُ الله اَنْ یُوفِّقَکُمْ و یُؤیِّدَکُمْ علی ما اُمرتم به فی الکتاب و یمدّکم باسباب الأرض و السّماء و یقرّبکم الیه و یوَصِّیکُمْ بالمحبّه و الاتّحاد و بالحکمه و الیّان. انّه هو الامر الحکیم

مجموعه آثار قلم اعلی جلد ۱۵ ص ۸

۵-تهنیت حضرت عبدالبهاء به مناسبت عید اعظم رضوان

هو الله

ای عندلیب حدیقه معانی، اشعار فصیح، معانی بدیع داشت و در ثنای آستان اسم اعظم، جامع جمیع صنایع شعریه بود. یاران و اماء رحمن در نهایت وجد و سرور ترتیل و ترنیم نمودند. این عبد با عدم فرصت به خط خویش، تحسین مینگارد. عید رضوان چون بدایت اعلان ظهور من یظهره الله بود و جمال قدم با وجود آن که نفی و سرگون بودند، در کمال سرور و عظمت و عزت الهیه در باغ نجیب پاشا در خارج عکا تجلی و اشراق به کل آفاق فرمودند و جمیع اعناق، خاضع بود و کافه اصوات، خاشع، لهذا این ایام بسیار مبارک است. احباء باید نهایت وجد و سرور مجری دارند. سبحان الله، الی الان در هیچ تاریخی دیده نشده است که با وجود آن که حرکت اسم اعظم از بغداد به عنوان نفی و سرگون بود، ولی به درجه ای عزت و اقتدار و عظمت حضرت کبریاء ظاهر و آشکار بود که والی و مشیر نامق پاشا با جمیع ارکان ولایت و امرآء لشکر، کافه خاضع و خاشع بودند. "و لله العزه من قبل و من بعد" مشهود جمیع انظار و ابصار بود. کافه دوستان را به جهت حلول این یوم مبارک از قبل عبدالبهاء تحیت ابدع ابهی و تهنیت کبری ابلاغ دارید. و علیک البهآء الأبهی.

عع

مکاتیب حضرت عبدالبهآء، شماره ۵۲ ص ۶۰۷

۶- شعری از حضرت عبدالبهاء (منتخبات مکاتیب ج ۲ ص ۱۸ و ۱۹)

نور هدی تابان شده طور تقی رخشان شده موسی به جان، پویان شده

کھسار سیناء آمده

صبح جبین، نور مبین و آن عارض گلگون بین بالعل رنگینی چنین

آن غره، غراء آمده

هر دم نسیمی میوزد بوی عبیری میرسد صبح امیدی میدمد

غبراء نورا آمده

دریای حق پرموج شد هر موج از آن یک فوج شد و آن فوجها براوج شد

هر پست بالا آمده

صوت انا الحق هر زمان آید ز اوج آسمان می نشنود جز گوش جان

آذان صماء آمده

ابر گهر بار است این فیض درر بار است این نور شرر بار است این

انوار بهراء آمده

آفاق عنبر بار شد امکان پر انوار شد بس خفتها بیدار شد

تعبیر رؤیا آمده

عشق خدا خونریز شد عالم شررانگیز شد جام عطا لبریز شد

چون دور صهباء آمده

۷-بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

عید رضوان یادآور این فضل عظیم و بخشش عمیم است و چه شایسته است که با تأملی عمیق در فضل و بخشش جدیدی که در این یوم بر عالم امکان به اشد اشراق متجلی گشته، این ایام را تنها به عنوان یک جشن یا بزرگداشت رویدادی روحانی ننگریم، بلکه آن را به شکرانه فضل بی دریغش، منشاء و مبداء اساسی بدیع و تحوّل که شایسته عبودیت حضرتش باشد، نمایم.

مائده آسمانی ج ۸ ص ۶۸

و در بیانی دیگر میفرمایند:

با نزول اجلال حضرت بهاءالله به بستان نجیبیه که بعد از طرف اصحاب و پیروان آن حضرت به باغ رضوان موسوم گردید، بزرگترین و مقدس ترین عید از اعیاد بهایی آغاز شد. در این یوم اقوم افخم، جمال قدم و اسم اعظم برقع از رخسار برکشید و مأموریت مقدس و مهیمن خویش را به اصحاب و احباب اعلام فرمود. این اظهار امر عظیم و خطیر از یک طرف کمال غایی و جلوۀ نهایی اشراقات و بُروزات ساطعه از آن هیکل قدم پس از مراجعت از کردستان محسوب و از طرف دیگر مقدمه اعلان عمومی امرالله و ابلاغ کلمه الله در ارض سرّ به اهل عالم و ملوک و رؤسای اُمم تلقی میگردد. در اثر این ابلاغ عظیم و جلیل، سنین مهلت ده ساله که به مشیت سبحانی بین سطوع تجلیات الهی بر قلب مُمرد جمال اقدس ابهی در سجن طهران و اظهار امرش به پیروان حضرت باب مقدر گردیده بود منقضی شد و "میقات ستر" که به فرموده جمال مختار شاهد اشراق آیات و ظهور آثار حضرت رب البینات بر آن هیکل اعزّمدانی بود منتهی گردید. سلطان ظهور از خلف "الف الف حجاب من النور" قدم بیرون نهاد و اقل از "سم ابره" از انوار وجه منیر بر عالم و عالمیان مکشوف ساخت

کتاب قرن بدیع صفحه ۳۱۰

۸- خروج از بغداد

در تاریخ اول فوریه ۱۸۶۳ گزارشی از سوی صدر اعظم عثمانی، یوسف کمال پاشا به سلطان عبدالعزیز تسلیم میگردد که در آن به چند دلیل لزوم انتقال بایان از بغداد مطرح میشود. از جمله آنکه حضور بایان در نزدیکی مرزهای ایران، خطری برای شاه ایران محسوب میگردد. صدر اعظم عثمانی پیشنهاد میکند برای راضی ساختن دولت ایران، بهاءالله و همراهانش از طریق استانبول به ادرنه تبعید شوند.

روز پنجم فروردین ۱۲۴۲ خورشیدی (۲۵ مارس ۱۸۶۳)، یک روز زیبای بهاری است. بهاءالله و جمعی از دوستان، در مزرعه ای خارج از شهر بغداد به مناسبت عید نوروز جشن گرفته اند. در آنجا لوحی به نام ملاح القدس به قلم بهاءالله نوشته میشود و «چون لوح با صدای بلند در جمع خوانده میشود قلوب شنوندگان غرق در غم و اندوه میگردد. پیشگویی غم انگیزی» در لوح شده است که نگرانی شدیدی در بین حاضرین ایجاد میکند. نزدیکی های غروب همان روز، نامه محترمانه ای از طرف حاکم شهر میرسد که تقاضای ملاقات با بهاءالله را کرده است. ساعتی بعد چادرها جمع میشوند و همه به سوی بغداد حرکت میکنند. صدر اعظم عثمانی در نامه ای از بهاءالله دعوت کرده تا به استانبول پایتخت عثمانی برود. بهاءالله بلافاصله با این درخواست صدر اعظم موافقت میکند. به فاصله چند روز مقدمات سفر فراهم میشود. دو تن از دوستان که نجار هستند، به ساختن کجاوه مشغول میشوند و دو نفر دیگر که خیاط هستند، دست اندر کار تهیه پوشاک مناسب برای سفر میشوند.

خبر سفر بهاءالله به استانبول به سرعت به گوش اهالی بغداد و شهرهای اطراف میرسد و بسیاری از آنان میخواهند برای خدا حافظی وی را ببینند، ولی منزل آنان برای پذیرایی از این جمعیت کافی نیست. وقتی خبر به گوش نجیب پاشا، یکی از بزرگان بغداد میرسد مزرعه خود به نام «نجیبیه» را در اختیار بهاءالله قرار میدهد. این باغ زیبا خارج از بغداد و در آن سوی رودخانه دجله قرار دارد.

داستان تبعید یک پیامبر از سیاه چال تهران تا قلعه عکا ص ۳۲ تا ۳۴

۹- روز فرح اعظم

مقارن ورود سلطان جلال به باغ رضوان، صدای اذان بعد از ظهر از مسجد بلند شد و ندای الله اکبر که به وسیله مؤذن ادا می شد، در تمام باغ طنین انداز گشت. حضرت بهاءالله در نهایت سرور و با شکوه و جلال موفور در خیابانهای باغ که به گلها و درختان زیبا مزین بود، مَشی می فرمودند و عطر بوته های گل سرخ و صدای ترنم بلبلان هم، محیط زیبا و پر جذبه ای ایجاد کرده بود.

اصحاب جمال اقدس ابهی از مدتها قبل قُرب اظهار امر آن حضرت را احساس می نمودند. این احساس از یک طرف بر اثر اشارات و خطباتی بود که آن حضرت در ماههای اخیر اقامت خود در بغداد می نمودند و از سوی دیگر نتیجه تغییرات محسوسی بود که در سلوک و رفتار آن حضرت مشهود میشد. نشانه دیگری که به روشنی دلالت بر میقات اظهار امر مینمود، استقرار تاج بر سر مبارک هنگام خروج از بیت مبارک در بغداد بود. حضرت عبدالبهاء در خطابه ای که در ۲۹ آپریل ۱۹۱۶ در بهجی ایراد نمودند بیان میکنند که چگونه حضرت بهاءالله پس از ورود به باغ رضوان رسالت روحانی خود را به اصحاب حاضر در باغ اعلان و در نهایت بشاشت و سرور آغاز عید اعظم رضوان را اعلام فرمودند.

بر اثر استماع این بشارت کبری غم و اندوه از میان مؤمنین رخت بریست و قلوب آنان از سرور و حُبور سرشار شد... حضرت بهاءالله در یکی از الواح مقدسه ضمن اشاره به یوم اول عید رضوان از آن به "روز فرح اعظم" یاد میکنند... در باغ رضوان و در طی این اعلان تاریخی و خطیر بود که آن جمال بی مثال به صراحت بیان، خود را "مَنْ يُظْهَرُهُ اللهُ" یعنی موعودی که حضرت باب به ظهورش بشارت داده و خود را در راهش فدا نموده و در باره اش با پیروان خود عهد و وثیق بسته بود، معرفی نمودند....

نفحات ظهور حضرت بهاءالله ص ۲۸۰

۱۰- خروج حضرت بهاءالله از باغ رضوان (سال ۱۸۶۳، بغداد، عراق)

چون اراده حضرت بهاءالله تعلق گرفت که ظهر دوازدهم رضوان از باغ نجیبه عزیمت فرمایند، بعد از وداع با احباء و سایر دوستان بر اسب گهر تقدیمی آقا میرزا فتحعلی فتح اعظم که مسعود یا سعود نام داشت سوار شده روبه فریحات حرکت فرمودند و در حالی که اهل بیت مبارک نیز با کجاوه و عَماری ایشان را همراهی می کردند. تمام کسانی که داستان آن روز و آن ساعت را تعریف کرده اند می گویند هنگامی که حضرت بهاءالله سوار بر اسب و آماده عزیمت شدند صدای ناله و زاری از جمعیت برخاست. فریادهای الله اکبر در فضا پیچید. مردم خود را بر سر راه اسب مبارک می افکندند. طبق روایت آقا رضا، چنان می نمود که آن مرکب شاهوار از روی جان های پاک و قلوب صاف آن جمع عظیم می گذشت... دو ساعت بعد از ظهر به قصر بزرگی که در آن جا بود وارد شدند و تا جناب کلیم و سائل سفر را از بغداد تهیه و به فریجات حمل نمایند، مدت یک هفته در آن قصر اقامت فرمودند.

آقا رضا قناد شیرازی که ملازم رکاب مبارک بود، می نویسد:

در آن روز... سواری ممتاز حضرت بهاءالله را تماشا کردیم. در مدت ۱۲ سنه که در عراق اقامت فرمودند با این که همیشه اسب حاضر بود، حسب میلشان هر کجا که می رفتند (سوار قاطر می شدند) در طریق سفر غالباً سوار کجاوه می شدند... میرزا یحیی که در بغداد پریشان و پنهان بود از اول قصد داشت به هندوستان یا حبشه برود ولی همین که دید حضرت بهاءالله با شکوه و جلال حرکت می فرمایند و خطر رفع شده است، تغییر عقیده داد و از حضور حضرت بهاءالله استدعا کرد که چه بکند؟ فرمودند: تمام آثار مبارک حضرت اعلی را که نزد توست منتشر کن و چون کسی تو را نمی شناسد به ایران برگرد و مشغول تبلیغ شو و یا در بغداد توقف کن و با احبای ایران در مکاتبه باش، ولی او تمکین نکرد و حاج محمد کاظم خراسانی را که از حیث قیافه شبیه وی بود به سفارت فرستاد و گذرنامه ای تهیه کرده... عیال و اولادش را با کاروان حضرت بهاءالله همراه نمود و خودش مُتَنکراً به موصل رفت و به انتظار حضرت بهاءالله ماند.

در صلاحیه که سر راه سلیمانیه و کرکوک است حاکم و محترمین شهر استقبال نمودند و در
آریل چون روز ورود هیکل مبارک مصادف با عید قربان بود به افتخار ایشان و همراهان، ضیافتی
شایسته ترتیب دادند که در آن جواد خان کارگزار ایران نیز حضور داشت و بعد به موصل تشریف
بردند و سه روز در آن جا متوقف شدند.

تلخیصی از کتب: عهد اعلی صفحه ۵۳۱ و بهاء الله شمس حقیقت صفحه ۲۲۸

۱۱- شعر "عید اعظم رضوان"

مژده یاران که چمن باز مزیّن گردید
باغ و صحرا همه گل ، سُنبل و سوسن گردید
روی خاک سیه امروز چو گلشن گردید
دیده از مقدم این فصل ، چه روشن گردید
کز پس پرده عیان گشت جمال جانان
شد عیان طلعت معبود به عید رضوان
نو عروس چمن امروز ز رخ پرده گشود
غنچه از شاخه پدید آمد و گل رخ بنمود
بالب سرخ بخندید و زد دل غم بزود
وقت عیش است و طرب شاد نشین و خشنود
کز پس پرده عیان گشت جمال جانان

شد عیان طلعت معبود به عید رضوان
صف کشیده است بنفشه به چمن در لب جوی
عندلیبان به نوا آمده با صوت نکوی
کن تماشا به چمن غم زدلت پاک بشوی
چه نشاطی است به هر گوشه چه عیشی هر سوی
کز پس پرده عیان گشت جمال جانان
شد عیان طلعت معبود به عید رضوان
باش مشعوف در این عید که هنگام لقاست
روز مُشرق شدن شمس حق از شرق بهاست
عالمی از اثرش پروله و پرغوغاست
وه چه شوری است که اندر دل شیدا برپاست
کز پس پرده عیان گشت جمال جانان
شد عیان طلعت معبود به عید رضوان

این اثر را شهید سعید دکتر سیروس روشنی در سال ۱۳۲۳ شمسی سروده است .